

# ویژگی‌های مهم زبانی کلیده و دمنه

دکتر سعید خیرخواه

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد کاشان

مریم سادات سجادی پیدکلی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

## چکیده

در این جستار ویژگی‌های مهم زبانی کلیده و دمنه شامل مواردی مانند صامت میانجی بررسی شده است.

تغییر مصوت، تلفظ‌های قدیمی و لغت‌های پهلوی، لغت‌های قدیمی، لغت در معنی خاص، لغات عربی و فارسی، معانی حروف اضافه، املاهای کهن کلمات و انواع «ی»، چون + صفت + ی، انواع فعل، مصدر، انواع «را» و نظایر آن را بررسی کرده‌ایم تا ظرافت‌های خاص سبک زبانی این کتاب ارزشمند را به دانش‌دوستان ادب فارسی عرضه نماییم.

**کلیدواژه‌ها:** کلیده و دمنه، سبک زبانی، ویژگی‌های سبکی

## درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی

سبک در لغت به معنی گذاختن و ریختن زر و نقره در قالب است ولی ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنای «طرز خاصی از نظم یا نثر» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵) به کار برده‌اند. سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک در واقع کنش

و واکنش معنی و شکل در گفتار و نوشتار است. (عبادیان، ۱۳۶۸: ۹)

برای تعریف سبک می‌توان به سه مقوله توجه کرد: ۱. نگارش خاص؛ ۲. گزینش، ۳. عدول از هنجار. در واقع این سه مقوله یکی است و به یک موضوع از سه زاویه نگاه شده است.

## سبک‌شناسی

سبک‌شناسی (Stylistics) علم یا نظامی (Discipline) که از سبک (Style) بحث می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵) سبک‌شناسی در ایران به قرن اخیر مربوط می‌شود و بنیان‌گذار آن استاد بهار است. کتاب «سبک‌شناسی» بهار براساس زبان‌شناسی تاریخی نگاشته شده و به بررسی تحول و دگرگونی لغات در متون

پرداخته است.

سیروس شمیسا نیز در کتاب «کلیات سبک‌شناسی» انواع سبک‌ها را چه در شعر و چه در نثر مطرح کرده است، امید است سبک‌شناسی، این علم نوپا، بیشتر مورد توجه ادیبان قرار گیرد و مبانی علمی آن گسترش یابد.

## ویژگی‌های مهم زبانی کلیده و دمنه

### الف. مختصات آوایی

۱. صامت میانجی: در کلیده از آن به دو صورت استفاده شده است: یکی «همزه» و صورت دیگر «واو» مثل: بر بالائی و نیکوی کردن. این قدر تقریر افتاد از دریایی جره‌ای و از دوزخ شعله‌ای باید پنداشت، ۹/۲۰۸

۲. و همچنان **نیکوی** کردن به جای کسی که در مذهب خود اهمال حق و نسیان شکر جایز شمرد. ۳/۱۲۳

۲. **تغییر مصوت:** تبدیل صامت+ مصوت — صامت+ مصوت دیگر: ای به ی  
۱. چنان که چرخ بی چهار پایه راست نیست. ۴/۲۱  
۲. آهو به کران آب رسید اندکی بخورد چون هراسانی بیستاد. ۱۲/۱۸۳

۳. **تلفظ‌های قدیمی:** استاد خانلری می‌نویسد در قرون نخستین: «هنوز چگونگی تلفظ واک‌های هر کلمه صورت ثابت و واحدی ندارد» (تاریخ زبان فارسی ج ۱، ۳۵۹) بدین ترتیب، هر نویسنده لغت را با تلفظ خود به کار می‌برد. بعد از درسی شدن فارسی، اندک اندک برخی از تلفظ‌ها تثبیت می‌شود. ابدال: یکی از مهم‌ترین تحولات آوایی فارسی از دوره میانه به دوره جدید می‌باشد. (باقریف ۱۳۸۷: ۱۵۳)  
۴ به وداع آمده‌ایم، **پدرود** باش ای دوست گرامی و رفیق موافق، ۳/۱۱۱  
۴ جوابی درشت بی علم **شکال** برسانیدند. ۳/۳۱۹  
۴ صورت‌های کهن تر لغات: ۱. پوشیده نماند که چون ملک متفکر باشد **بستاخی** نیارند. ۱۳/۳۶۲  
۴ و هر که از فیض آسمانی و عقل غریزی **بهرومند** شد. ۱۱/۲۸  
۴ و چون خواهند که **بستیه‌ند** بانگ برزند. ۱۲/۳۲۳  
درهم ریختگی: ۱. و شفقت **بذاذری** و لطف دوستی چندان باقی است. ۳/۱۲۱  
تغییر مصوت کوتاه (حرکت):  
۴ و اگر زن بد کار قصد **جوان** غافل نکردی، جان شیرین به باد ندادی. ۲/۷۹  
۴ و **دبیر** آسمان چاکر بیان او. ۱۱/۳۵۷

۴. **فترحه به جای کسره:** برخی از لغات که امروزه به کسر تلفظ می‌شود، در قدیم به فتح تلفظ می‌شده است:  
۱. که اگر ایشان بگذارند بکشم و اگر نیک **بگشند** بگذارم. ۱۵/۳۴۷  
۲. و مردم **هزار** سال تا از دشمن مستولی ایمن نگردد گرمی سینه او نیار آمد. ۱۵/۲۳۵

۵. صورت‌های نوشتاری: در کلیله و دمنه «های» غیر ملفوظ نوشته نمی‌شده و همچنین سرهم نویسی ملاک شیوه نوشتاری است.  
۴ و به جای **بتکدها** مساجد بنا افتاد. ۳/۱۳

۴ اگر این شهد و روغن به ده درم بتوانم فروخت از آن پنج سر گوسپند خرم، هر ماهی پنج بزیاند و از نتایج ایشان **رمها** سازم. ۸/۲۶۳

## ۲. مختصات لغوی

### ۱. استعمال لغات پهلوی

**اندر:** و شرایط بحث اندران تقدیم نموده. ۱۳/۴۸  
نزدیک: ۱ — و پوشیده نماند که علم طب **نزدیک** همه خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده‌ست. ۱۰/۴۴  
**بی از آن:** ۱. مثلاً نفاذ کار دهقان هم بی از آن ممکن نگردد. ۱/۷

۲. **استعمال برخی از کلمات عربی به جای فارسی معمول:** استعمال لغاتی مثل: عظیم و خصم  
۱. چه خون ریختن کاری **صعب** است. ۱۴/۳۶۴  
۲. این سخن در دل شیر موقع **عظیم** یافت. ۷/۱۵۵

۳. **استعمال لغات فارسی قدیم: فراز آمدن (به معنی چیزی به فکر و عقل رسیدن)**

۱. گفت: در معنی ترک جنگ و کراهیت خراج و تحرز از جلا آنچه **فراز آمده است** باز نموده آمد. ۶/۲۱۱  
باز نمودن (در معنی توضیح دادن): ۱ — و آنچه رفته باشد **باز نمایم**. ۷/۷۳  
**باز انداختن (ارائه کردن):** ۱ — و ملک آن را بر رای جهان نمای خود، که آینه فتح است و جام ظفر، باز اندازد. ۸/۱۳۵

۴. **استعمال مصادر عربی به صورت صحیح عربی:** یعنی بدون افزودن یا، مصدری فارسی:

راحت به جای راحتی و سلامت به جای سلامتی و قناعت به جای قانعی و طمع به جای طامعی و بخل به جای بخیلی و عزت به جای عزیزی و نظر به جای ناظری و عجز به جای عاجزی و صبر به جای صابری و شرف به جای شریفی.  
— بیش مرا در زندگانی چه راحت و از جان و بینایی چه فایده؟ ۳/۱۴۹  
— و لذت فراغت و حلاوت **قناعت** به گام من پیوسته بودی. ۹/۲۴۵

۵. **لغات در معنی خاص: بیش در معنی دیگر**

— و رجوع به سمت اصل **بیش** ممکن نگردد. ۳/۳۴۷  
**لغت قوم در معنی زوجه و همسر:** ۱ — و بشناخت که بر بام دزدانند، قوم را آهسته بیدار کرد. ۴/۴۹  
**دنباله مطلب در وبگاه نشر به**

**سبک‌شناسی**  
**در ایران به قرن**  
**اخیر مربوط**  
**می‌شود و**  
**بنیان‌گذار آن**  
**استاد بهار است**

### منابع

۱. انوری، حسن، احمدی گبوی، حسن: **دستور زبان فارسی ۲**، چاپ اول، فاطمی، ۱۳۸۵.
۲. باقری، مه‌ری: **تاریخ زبان فارسی**، نشر قطره، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷.
۳. بهار، محمدتقی: **سبک‌شناسی**، جلد ۱ و ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۴. خطیبی، حسین: **فن نثر در ادب فارسی**، انتشارات زوار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.
۵. دهخدا، علی‌اکبر: **امثال و حکم**، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۶.
۶. —، **فرهنگ لغت**، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۷. شمیس‌ا، سیروس: **کلیات سبک‌شناسی**، انتشارات میترا، ۱۳۸۴.
۸. —، **سبک‌شناسی نثر**، انتشارات میترا، ۱۳۹۰.
۹. صفاء، ذبیح‌الله: **تاریخ ادبیات ایران**، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
۱۰. عبادیان، محمود: **درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات**، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. معین، محمد: **فرهنگ فارسی**، انتشارات سرایش، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. ناتل خانلری، پرویز: **تاریخ زبان فارسی**، جلد ۱ و ۲، ۱۳۷۷.
۱۳. —، **دستور تاریخی زبان فارسی**، انتشارات توس، ۱۳۷۲.